

## نسبت منظر شهری و گردشگری در فرایند توسعه

برای بیش از یک قرن، شهرنشینی و گردشگری دو فرایند اصلی توسعه را در جوامع غربی و سپس جهانی تشکیل داده که مرتباً یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به عبارتی، در فرایند توسعه، عوامل متعددی برای حفظ رقابت‌پذیری و تضمین جذابیت شهرها دخیل هستند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها ارتقای گردشگری شهری است. گردشگری شهری فرصتی راهبردی برای شهرها فراهم می‌کند تا رشد اقتصادی خود را تقویت کنند، ظرفیت‌های فرهنگی، طبیعی و هویت خود را به نمایش بگذارند و دید بین‌المللی خود را تضمین نمایند. این در حالیست که برای مدت طولانی، گردشگری تنها مترادف با گذران اوقات فراغت در فضاهای طبیعی خارج از شهر چون کوهستان، ساحل، جنگل یا کویر قلمداد می‌شد.

منظر شهر، به‌عنوان اولین تصویری که در حافظه گردشگر شکل می‌گیرد، از ادراک وی جدا نیست؛ لذا حتماً نیاز به محافظت، ارتقا و توسعه دارد. همان‌طور که فلورنت هبرت (Florent Hebert) اشاره می‌کند، هر شهر دارای امکانات خاصی برای تشکیل منظر خود است که از فرم‌ها و ریتم‌های گذشته تغذیه می‌شود. بنابراین ظرفیت منظرینی که شهر از آن‌ها بهره می‌برد (دریا، رودخانه، جنگل، بناهای تاریخی و غیره) دارایی‌هایی محسوب می‌شوند که می‌بایست در قالب پروژه‌های اولویت‌دار مدنظر قرار گیرند تا امکان ساخت تصویری منحصربه‌فرد از شهر را به مخاطب ارائه دهند. جهت تحقق این امر، شهر از منظر خود برای متمایز شدن استفاده می‌کند که توانایی پاسخگویی به چالش‌های هویتی، زیبایی‌شناسانه، عملکردی و اقتصادی را طی سال‌های متمادی داشته است. شخصیت متمایز و منحصربه‌فردی که شهر از منظر خود ارائه می‌کند، به عاملی تأثیرگذار در پویایی و رقابت تبدیل می‌شود و بدین ترتیب، می‌توان گفت ارتقای کیفیت منظر شهری، راهبردی برای توسعه و ترویج گردشگری پایدار محسوب می‌شود. تجربه‌های جهانی نیز، تأکیدی بر اهمیت نقش منظر شهری در گردشگری شهر است:

- منظر طبیعی شهر: تولد دوباره رودخانه Cheonggyecheon در قلب سئول، پروژه‌های شاخص برای بهبود تصویر جهانی از کره.
  - منظر صنعتی شهر: محدوده وسیع Emsherpark و قلمرو حساس آن در حوزه Rhur، به‌مثابه پل بین طبیعت و فرهنگ در آلمان.
  - منظر تاریخی شهر: پیاده‌راه ساحلی خلیج الجزیره، تداوم تصویر سرزمینی غنی از تاریخ و مناظر آن در الجزایر.
- در ایران اما موضوع کمی متفاوت است. در فرایند توسعه، دو امر گردشگری و منظر شهری به‌صورت منفصل از هم فعالیت دارند که باعث شده توسعه گردشگری به بناهای خاص تاریخی و گردشگری طبیعت به خارج از شهر محدود شود و سایر ظرفیت‌های موجود در عرصه منظر نادیده انگاشته شده است. آسیب چنین رویکردی، درجا زدن نهادهای اجتماعی و مردمی در بهره‌گیری از منافع توسعه گردشگری است که اتفاقاً بیشتر در مناطق محروم و کم‌بضاعت واقع هستند. گردشگری جنوب از بارزترین نمونه‌هاست؛ مسافران قشم، کمتر به مؤلفه‌های معنایی و شکل‌دهنده سرزمین می‌پرازند، لذا سهم مردم محلی از منافع حاصل از این گردشگری بسیار محدود است. آنچه امروز از منظر سرزمینی قشم مشاهده می‌شود، غلبه فضای احساسی به‌جای فضای ادراکی است. به‌عبارتی، منظر سرزمینی قشم به‌جای این‌که متشکل از کل‌های هویتی مرتبط و معرف مؤلفه‌های منظر قشم باشد، کل‌های هویتی مستقلی را تشکیل داده که برای مخاطب جذابیت‌های هیجانی، احساسی، بصری و زودگذر تولید می‌کند. آسیب چنین فرایندی نگاه سطحی به گردشگری در شهرهاست که به تفرج‌های شخصی تقلیل خواهد یافت.

محمد آتشین‌بار  
atashinbar@ut.ac.ir

### COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

آتشین‌بار، محمد. (۱۴۰۳). نسبت منظر شهری و گردشگری در فرایند توسعه. گردشگری فرهنگ، ۵(۱۷)، ۳.

DOI: 10.22034/TOC.2024.201955  
URL: [https://www.toc-sj.com/article\\_201955.html](https://www.toc-sj.com/article_201955.html)

